

تشنه‌ها

تاخوانی این ستون سر نوشت در نیایی فرق بین خوب و زشت مگر که نیکو سیرتی یا بد سرشت سر نوشت تو در اینجا شد نوشت

سومین جلسه چکاچک هم بدون حضور بغبغو برگزار شد جقدر جایش خالیست ما هم که یاد گرفتیم پشت سر هم دیگر حرف بزیم و رو رو به هم تعارف کنیم حالا که بغبغو نیست چه حرفها که دربارها ی او نمی گویند آدم از شنیدن این حرفها تعجب می کنه . جبر جبرک آمد و گفت هر چی تو روزنامه ها نگاه کردم که عسکی یا ماطلی در باره بغبغو پیدا کنم ، چیزی نبود . دلم به این خوش بود که که حکم اعداش در اومه و همین روزها کارش تمومه و دیگه به من نمی که کله پوک و آدم بی خاصیت و از این حرفها ولی حالا می ترسم به روز بیاد جلسه چکاچک و قیافه - بگریه که بعله) ما هم زندون بودیم (آخه قدیما کسی که زندونی می شد برایش سر کشستگی داشت و مردم ازش کناره می کشیدن که زندون بوده ولی این روزها کسی که زندونی می شه قیافه می گیره که بعله من همونم که زندونی شدم دلم به حال مدیر مسئول و سر دبیر می سوزه چون اگر این اتفاق افتاده باشه دیگه اون ها هم باید غلاف کنند و جیک نزنند می گم بابا این حرف ها چه که می زنی تو مگه عقبت پاره سنگ می بره ؟ می که مگه دروغ می گم ؟ کس که زندونی شده و تازه از زندون در اومه صحبتش هست که می خواد رئیس جمهور بشه آن وقت نمی خواد بغبغو همه کاره امراد باشه ؟ می گم پسر جون تو میخ راحتی خودت هم نمی فهمی چی می گی . بی بی یاز نامی که مگه غیر از اینه که خودمون هم کسی رو داشتیم که می خواست بره مجلس راهش ندادند ولی حالا شده همه کاره ! او کسی هم نیست پشت بهک بالای چشات ابروست خودش تصمیم می گیره خودش عمل می کنه که به طوری که داد بازرس هم در اومه ولی فقط بازرس داد می زنه و فریادش به گوش کسی نمی رسه . می گم بابا جون ما اومدیم که جلسه چکاچک تشکیل بدیم این حرف ها چه که می زیند ؟

اسفندیار سرش را زبر می اندازه و می که شنیدن هم هنر بزنگه ای کاش ما حوصله شنیدن انتقاد هم می داشتیم که سر و صدا بلانند شد و جلسه بهم ریخت . خدا را شکر که دعوا نشد .

شاخ شمشاد

باقنی سابق



بغبغو

من امشب در سرای خود هوای دیگری دارم برای بعضی و کین تو شقای دیگری دارم تو که بودی پنگر پنگر چه کردی با من فرزند بدان منم در این دنیا خدای دیگری دارم نه پول است این خدای من پارتی خوب می دانگ منم هم آبرو دارم . بهای دیگری دارم اهورای همه مهر و محبت یا اشو باشد در این تنهایی من هم صفای دیگری دارم بیاموزیم به فرزندت اوستا را تو می دانی که منم با خودم حال و هوای دیگری دارم شکایت کردی از دستم نامی دلم چرا بابا ولیکن من برای تو بهای دیگری دارم نمی دالم به جز خدمت چه کردم من بگو بابا جقدر بستم اگر جزاین خطای دیگری دارم اگر دل را بشویی از غبار کینه و نفرت برایت ای عزیزم کیمیای دیگری دارم مرا بردی به دادگاهی که در شان نیست کنون بشنو برایت ماجرای دیگری دارم تو ساکن با این کشتی موج و خروشانی منم در سر هوای تا خدای دیگری دارم تو که پوشیده ای رخت راست را کنون بیام از بهر تو شال و قباوی دیگری دارم

از همه نویسندگان چکاچک خواهشمندم در نوشتن مطالب دقت کافی بفرمایند تا سر سوزنی به شخصیت اشخاص متشنخ ساختن بر نخورد یک موقع دیدید کار دستمون دادن!

اطلاعیه جنبش بوفه

سال ها بود که بوفه مدرسه زیر دستان آن غیر خودی پزمرده شده و بوی غذای ته گرفته از آن - بر می خاست . اما خوشبختانه امسال ، من که رئیس باشم به همراه چند نفر دیگر که رئیس - نیستند . در یک اقدام کاملا انقلابی به بوفه ریختیم و آن غیر خودی خودسرا (است) این اطلاعیه همراه یک اخراج و خود به اریکه بوفه نشستیم تا ثابت کنیم ما نه تنها در مدیریت بلکه در بوفیت (مستولیت بوفه) هم افرادی خودی داریم . بوفه خودی بسیار مسرور و شادمان است که اعلام نماید هم اکنون انواع غذاهای سالم خودی

زندگی کردن در جوار به همسایه بد ، نوعی فاجعه است . Plautus It is somewhat of a disaster to near a bad neighbor. داداش جیمی



خیابان اندیشه ها

تهران - پاییز ۱۳۸۱

چهارراه قدوسی (قصر سابق) را که رد می کنم وارد خیابان دکتر بهشتی (عباس آباد) می شوم . با وجود آلودگی زیاد هوا دل انگیز بودن هوای پاییزی را احساس می کنم . در این حال و هوا به اولین تقاطع که می رسم تابلوی خیابان توجه ام را جلب می کند ؛ [خیابان اندیشه] . اندیشه ای می کنم و وارد خیابان [اندیشه] می شوم . خوب دور و برم را نگاه می کنم ، ناگهان تابلوی دیگری به چشمم می خورد که روی آن نوشته [اندیشه یکم] . وارد [اندیشه یکم] می شوم پسر جوانی در حالی که درب خودرو گران قیمت و مدل بالایی را به شدت می بندد با عصیانیت فریاد می کشد این هم ماشین شد . به خیابان [اندیشه] بر می گردم . روبرویم [اندیشه دوم] است وارد آن می شوم . کمی جلو که می روم درب خانه ای باز است و زن و شوهری بر سر هم فریاد می کشند زن با عصیانیت در را می بندد و از خانه خارج می شود و در حالی که هق هق گریه می کند سوار خودرو شده و حرکت می کند . بار دیگر به خیابان اصلی [اندیشه] برگشته ام .

این بار [اندیشه سوم] را امتحان می کنم . دو راننده که به دلیل رعایت نکردن قوانین عبور و مرور باعث راه بندان شده اند با یکدیگر به دعوا و مشاجره پرداخته اند و هر کدام حق را به جانب خودی دادند . برای سومین بار بازگشت به خیابان [اندیشه] و پس از آن ورود به [اندیشه چهارم] . پدروی ، پسر هفت ، هشت ساله اش را به آرامی نصیحت می کند و با هم به طرف منزل می روند . پدر می گوید : پسر همیشه ، همه چیز را نمی شود خرید . من گاهی اوقات به اندازه کافی پول ندارم که چنین چیزهایی بخرم . ولی قول می دهم با اولین پولی که به دستم بیاید آن را برایت بخرم . اما با این حال پسر بچه هنوز دلخور و اخمو است . پس از لحظاتی خود را در [اندیشه پنجم] می بینم . جوانی به خودروئی تکیه داده و در حالی که سیگار را در دستش پنهان کرده با نگاه کردن به اطراف به آن پکی می زند . [اندیشه ششم] ، [هفتم] و ... نیز تکرار همان [اندیشه] های قبلی است با آب و رنگی دیگر . در آخرین [اندیشه] یک کتابفروشی می بینم . وارد می شوم و تست های [اندیشه سازان] را می خواهم . یک سری تهیه می کنم . با اشتیاق به پاسخگویی تست ها می پردازم و در انتها با مراجعه به صفحه جواب تست ها به خودم نمره می دهم . نمره قبولی نیاورده ام . در خیابان اصلی [اندیشه] به دنبال خیابان [اندیشه نیک] می گردم .

مهر آزاد

تقدیر تمجید و پیشکش

تقدیر : یادت می آید سال پیش به مدیری بود که به او سکه می دادند و هزار بار از او تقدیر و تمجید می کردند گفت : خوب آره گفتم : پس چرا حالا که مدیر عوض شده و نه دیگه زنجیری هست که به بچه ها بزنند و نه کسی است که دانش آموزها را اذیت کند و بالاتر از همه ، یک همکیش و دلسوز آمده و مدیر شده ، کسی به او سکه نمی ده یا سکه که پیشکش ، به تشکر - خشک و خالی هم از او نمی شود ؟ گفت : تشکر هم پیشکش ای کاش یکی پیدا می شد و پشت سر این مدیر همکیش این قدر بدویبراه نمی گفت ! دیگه هیچی نگفتم !



خلوش کرمونی

کنگره تالار سازی

امرداد شماره ۵۶ مورخ ۲۱ آبان ۱۳۸۱ نوشت: - تالار انجمن زرتشتیان اهواز همچنان قابل استفاده نیست . انجمن های زرتشتیان ترسی آباد و نصرت آباد در ساخت تالار با مشکل روبرو هستند . دبیر کانون دانشجویان ؛ جشنگاه خسروی در واقع برای اینگونه همایش ها ساخته نشده است . - ...

اژ سخی پز و گان

مردکی را چشم درد خاست . پیش بیطار (دامپزشک) رفت تا دوا کند . بیطار از آنچه در چشم - چهارپایان می کند در چشم وی کشید و گور شد . حکومت پیش داور بردند . گفت : بر او هیچ توان نیست ، اگر این خر نبودی ، پیش بیطار ترفتی - سعدی



در پی درخواست

یکی از همکیشان

برای بازتاب

غیبت

اعضای هیات مدیره

انجمن

و عملی شدن این خواسته

توسط امرداد

ابراز شد:

چالپ اونجاست که ...

تالار خسروی که برای استفاده جوانان کم در آمد ساخته شده ، هر شب شاهد بره و جوجه کباب هایی است که این اقدار کم در آمد روی میز شام می چینه ! واقعا این نوع از کم در آمد بودن و کباب بره خوردن از جالب هم گذشته !

ما آنقدر جامعه خود را دوست داریم و آنقدر جامعه برای ما مهم است که حاضریم از همدیگر در دادگاه شکایت بکنیم . اگر خدای نکرده این عشق به جامعه در ما بیشت شود ، شاید سر همدیگر را هم ببریم !

دبیرستانی که چهار پنج سال پیش نزدیک بی سی میلیون بابت تعمیر و نوسازی آن هزینه شده به گفته نماینده دانش آموزان و به گفته مدیر و رئیس و ... مشت به دیوارش بزنی ، می ریزی ! پیدا کنی محل هزینه کردن این ۳۰ میلیون را

یکی از انجمنی های سابق و با به سن گذاشته امروز می گفت که ما ده سال پیش که در انجمن بودیم ، همه کار کردیم و به بیرون (در جامعه) هم بروز ندادیم و هیچ مشکلی هم پیش نیامد !

دبیرستانی که بیست و چند سال است با یک مدیر ثابت اداره می شود و اصلا هم ایرادی به مدیریت ایشان وارد نیست ، برای دادن پر گه امتحانی به دانش آموزان کم از آن ها پول می گیرند ! هر امتحان کتبی ۱۰۰ تومان و هر امتحان شفاهی ۵۰ تومان !

در آخر جالب اونجاست که می شود با ته مانده بشقاب های بعد از شام یکی از عروسی ها در تالار خسروی ، نیمی از گرسنگان جهان را سیر کرد !

اسفندیار

پیشنهاد مفید

به علت کاربرد فراوان شن درشت و گران بودن موزاییک و اسفالت ، بهره‌زین بودن خرید رنگ و بتونه و همچنین خوب نبودن جنس پارچه‌های پرده‌ای و غیر قابل استفاده بودن باندها و بلندگوها و در راستای هدر دادن دادن و تناول و خوردن پول‌ها در ... پیشنهاد می گردد ، هر کجا که با مشکلات بالا روبرو است ، توالت و دستشویی آنجا تعمیر و باز سازی گردد ! ! . لذا لاقال برای مدتی در دهان مردم بسته خواهد شد .

با تشکر موفرفری

یک سوال به روش نمایندگان نماینده محترم : حرمت انجمن ها را نگه دارید این حقیر از انجمن عالیقدر ، والا همت ، بزرگ منش ، دلسوز ، کار دهن ، خیر خواه و محترم یک سوال دارم که در صورت نبودن زحمت و جسارتا ، محبت فرموده و منت گذاشته پاسخ بفرمایند که بابت بازسازی و تعمیر سالن جقدر لطف فرموده و پرداخت نموده اند ؟ در صورتی که برای آن والا مقامان و عزیزان گرانقدر به دلیل ذبیق وقت و انجام امور مهمتر فرصت پاسخ گوئی نمی باشد ، ضمن عذر خواهی و پوزش ، خواهشمند است فقط تعداد سفرهای رقم هزینه را بفرمایند کفایت می نماید . خاله ریزه

کنگره جوانان

یکی بود ، یکی نبود زیر گنبد کبود دکنره نشسته بود دکنره عینکی داشت عینکش دسته ای داشت عینکو می زد چشاش مقاله می خوند باهاش مقاله جوون ها نوزده و بیست ساله ها اونوا ساه چی چی بود ؟ کنگره جوونابود دکنره شصت ساله بود غذاش پنییر کاله بود با هر کی پسر خاله بود

مقالش با حاله بود ! یکی بود ، یکی نبود زیر گنبد کبود دکنره می گفت به ما : شما پیریر مقام شما که نمی تونید مقاله بی بخونید شما ها فقط باید خر همالیش رو بکنید قصه ما به سر رسید کلاغه به خوئنش ترسید بالا رقتیم ماست بود پایین اومدیم دوغ بود ولی جون شما نباشه ، به جون خودم قصه ما راست بود

باز: بهر روز قاصد

زیارتگاه یا تفرجگاه

دوباره شایعه در یزد پیچید. این بار دیگر شایعه خون گیری با لوازم آلوده نبود، بلکه موضوع دستبرد چند سارق به پیر سبز بود. شنیدن این شایعه موجب شد تا با آقای بیلوانی رییس انجمن زرتشتیان شرفیاباد و متولی زیارتگاه تماس بگیریم. آقای بیلوانی گفت: من هم این شایعه را شنیده‌ام ولی درست نیست. هنگام مطرح شدن خون گیری مشکوک واقعاً خون گیری مشکوک انجام شده بود و این شایعه به وجود آمده بود که وسایل خون گیری آلوده بوده است اما حالا چه اتفاقی افتاده است که چنین داستان بلند بالایی ساخته شده است؟ برای این که از موضوع سر در بیایم تصمیم گرفتم به پیر سبز بروم. هر چند با این کار بالاخره نتوانستم بفهمم که این شایعه از کجا آمده است. اما با یکی دیگر از مشکلات جامعه زرتشتی که این بار به دست خودشان بوجود آمده آشنا شدم. اینجاست که برای پیک نیک آمدن به تفرجگاه طول مسیر به صحبت‌های متولی پیر

سبز فکر کردم، اسفالت شدن جاده پیر سبز از اردکان، آب رسانی به پیر از طریق باغ گلزار تلاش برای وصل کردن پیر به برق سراسری. با این وجود باید پیر سبز شاداب تر از همیشه باشد. به مقصد رسیدم. آن روز صبح یک روز تعطیل بود و به غیر از من و تعدادی از همراهانم پیش از ۲۰ نفر که تمامی غیر زرتشتی و از اهالی اردکان بودند به آنجا آمده بودند. با دیدن این تعداد غیر زرتشتی و برای این که از هدف آنها برای آمدن به اینجا آگاه شوم تصمیم گرفتم با آنان گفتگو کنم. یکی از آنها که خود را از اهالی اردکان معرفی کرد، به نبود مکان‌های تفریحی در استان یزد اشاره کرد و گفت: «قبل از اینکه جاده اردکان به چک چکاپ پرسیز [اسفالت شود، تقریباً ماهی یک بار به اینجا می‌آیم. بولی بعد از اسفالت شدن این جاده تقریباً هر هفته جمعه‌ها تعطیلات به اینجا می‌آیم چون در حال حاضر بهترین مکان برای پیک نیک آمدن به

از سوی دیگر بارها شنیده شده است که توریست‌ها و همچنین علاقه‌مندی برای آگاهی از فرهنگ کهن ایرانی به این مکان آمده‌اند. اما شخصی آگاهی که بتواند ایشان را راهنمایی کند در دسترس نبوده است. آیا فرد مجربی که بتواند اینگونه راهنمایی‌ها را دستکم در کمترین سطح آن ارائه دهد را گماشته‌ایم؟ آیا تهیه یک بروشور در این مورد کار پیچیده و پرهزینه و یا گرانی است؟ فکر نمی‌کنم به جز دلزده کردن دیگران کار دیگری کرده باشم. اکنون این سوال مطرح است که آیا اسفالت این جاده به عنوان اولین گام برای رونق دادن به پیر سبز بود یا کارهای دیگری نیز در برنامه‌های آتی مدنظر قرار دارد که به مرور انجام خواهد شد؟ روزی را تصور کنید که پیر سبز به برق سراسری اتصال یافته، آب لوله کشی دارد و حتی هتلی بسیار شیک در کنارش سرافراشته آید. در آن هنگام پیر سبز زیارتگاه زرتشتیان خواهد بود؟

مستشرق آزاد

الو، روز بخیر، امرداد ۴!
پیام گیر امرداد
روی خط ۰۶۸۲۴۸۰۶ دریافت کننده
پیام‌ها، پیشنهادها و انتقادهای شما

با وجودیکه بارها از وضعیت بهداشتی آذربایجان، مازکارو...گفتاوند ولی ترتیب اثری داده نشده، لطفاً کار کنید.

بنویسید کلاس‌های دینی جمعه را مسوولان جدی‌تر بگیرند و علاوه بر آموزش به بحث‌های جذاب فرهنگی و دینی هم بپردازند.

اینهمه که خرج کردند [در آشپزخانه] یک تجدید نظری هم درباره آشپزها بکنند.

بهرتر است مدارس زرتشتیان برای دانش‌آموزان سال آخر که اسفالت کنکور دارند، کلاس‌های ویژه کنکور دینی برگزار کنند و تست‌های سال گذشته را به دانش‌آموزان بدهند.

چرا دفتر کنگره هزینه کنگره جوانان را در کرمان نمی‌دهد؟ به نظر من هم انجمن زرتشتیان تهران و هم دفتر کنگره با این درآمدهای زیاد که دارند وظیفه دارند برای برگزاری این گونه کنگره‌ها کمک اشکان

کاوش‌های جدید باستان‌شناسی سیلک کاشان

سال گذشته بنای زیگوراتی در محوطه باستانی سیلک کاشان کشف شد. با آغاز دومین فصل پژوهش‌های طرح بازرگاری سیلک کاشان، باستان‌شناسان به دنبال دستیابی به اطلاعات بیشتر از این زیگورات هستند. سرپرست و مجری طرح بازرگاری سیلک گفت: در این فصل از کاوش، تپه شمالی سیلک که آثار و بقایای آن نسبت به تپه جنوبی از قدمت بیشتری برخوردار است، بازرگاری و لایه نگاری می‌شود تا به طور دقیق دوره‌های تاریخی آن مشخص شود.



«رتون شیشه‌ای»

قدیمی‌ترین «رتون شیشه‌ای» دوره هخامنشیان برای نخستین بار در گنجینه‌ی ملی ایران در معرض دید دوستان قرار گرفت. معاون گنجینه ملی ایران گفت: این اثر تاریخی و کم نظیر در تیر ماه سال ۱۳۸۱ ه.ش در حفاری‌های تحت جمشید کشف شد و پس از گذراندن مراحل بازرگاری در بخش گنجینه‌ی «پیش از تاریخ» به نمایش گذاشته شده است. احمد چایچی امیرخیز افزود: اهمیت کشف این رتون شیشه‌ای نمایانند ناشناخته‌های صنعت شیشه‌سازی در دوران هخامنشی است.



نقاشی‌های فرزندان شما هم می‌تواند در نمایشگاه نقاشی «مسابقه استوره» بدرخشد

آخرین زمان ارسال نقاشی‌ها ۱۹ دی‌ماه
بنیاد فرهنگی جمشید

الهام و بهرام بازاده

شهرزاد و شهرام یزدانی

زیارتگاه مبارک

زندگی به کاشان باد

خسرو بهدین

یسنا کامپیوتر

سخت افزار، نرم افزار، سرویس و پشتیبانی، خدمات، اینترنت، تعمیر قطعات

نشانی: ولیعصر پلاک ۳ چار راه طالقانی
مرکز کامپیوتر ایران ورودی دوم پلاک ۴۴۰
تلفن: ۰۱۷-۵۱۲۸۸۰
۰۹۱۱۳۳۴۴۹۴۷

نقاشی‌های فرزندان شما هم می‌تواند در نمایشگاه نقاشی «مسابقه استوره» بدرخشد

آخرین زمان ارسال نقاشی‌ها ۱۹ دی‌ماه

بنیاد فرهنگی جمشید

«زبان فارسی» تنها پیوند جوانان با گذشته

معاون آموزش سازمان میراث فرهنگی: با ارزش‌ترین ریشه‌ی بیوند میان حال و گذشته جوان ایرانی زبان فارسی است. دکتر احمد محیط طباطبایی در این رابطه افزود: شاهنامه فردوسی به عنوان یک میراث فرهنگی متعلق به هزار سال پیش دارای خط و زبانی است که هم اکنون نیز با آن صحبت می‌کنیم و می‌نویسیم و جوانان ایرانی باید راهکارهای شناخت ارزش‌های فرهنگ ایرانی و حفظ آنها را بشناسند.

دفتر خدمات مسافرتی ایران تور

تور اوداوا (تجدید خاطره)

دیدار: بمبئی - دهلی - آگرا - زیارت: اوداوا - ناسری

مدت: ۱۵ روز
حرکت: اول فروردین
قیمت: ۵۹۹۰۰۰۰ ریال و ۱۱۹۰ دلار
هتل: ۵ ستاره با صبحانه و نهار
مهلت ثبت نام: تا ۱۰ بهمن (ظرفیت محدود)

تلفن تماس: ۸۸۴۴۹۳۷/۸ - ۸۳۰۴۳۱۷/۸ - ۸۳۰۴۳۶۶/۷
نشانی: خیابان میرزای شیرازی - شماره ۸۱

زیارت قبول

شهرزاد و شهرام یزدانی

زیارتگاه مبارک

زندگی به کاشان باد

خسرو بهدین

به یاد ماندنی‌ترین نوروز در شبه قاره هند

دهلی - آگرا - جیپور - بمبئی - اوداوا - گوا

دفتر خدمات ایرانگردی و جهانگردی فر ایران ۰۱۱-۸۵۵۵۵۱۸

امریکان و هر رام

غذا هم گوشندگی

انواع لوازم آیینی زرتشتیان

تعمیرات و فروش آینه‌های قدیمی

تلفن: تهران ۰۲۱۷۶۰۸۰۲۱۷۶ تلفن: یزد ۰۲۱۰۵۵۵۵۵

راستین مسکن

خرید، فروش و اجاره

آدرس: یوسف آباد. میدان فرح بخش (سلماس) خیابان شهریار پلاک ۱۳۴
تلفن: ۰۲۵۳۵۳۲-۰۲۳۶۴۲

پلاستیک سازی دهنادی

تولید کننده

انواع لوله‌های مویی و پروفیل پلاستیکی
از ۲۵ تا ۱۷۵ میلیمتر

نشانی: کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص خود کار
خیابان دارو بخش. خیابان مهندس خود کار
تلفن: ۰۲۶۲-۳۸۱۳۴۴۲

آجیل و خشکبار سرو

قد سبز، شیرینیجات بزدی سوغات شهرستانها

تهیه مرغوبترین آجیل (لرک) جهت هر گونه مراسم در خدمت همکیشان گرامی می‌باشد

کوی نصر (گیشا) نبش خیابان پانزدهم پلاک ۱۸۰
تلفن: ۸۲۷۴۴۶۵

موبایل کامبیز

چک ۲٪ خرید نقد سفته ۳٪ فروش اقساط

باتخفیف ویژه برای همکیشان

تلفن: ۰۶۵۲۴۶۰۸-۰۶۵۲۰۵۸۰
۰۹۱۳۳۲۳۳۳۳۳۴۴

امرداد

فصلنامه (هم اکنون دو هفته یکبار) فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، علمی و فرهنگی جمشید

صاحب امتیاز: دکتر سید حسن حسینی
مدیر: سید علی حسینی
مدیر فنی: سید علی حسینی
مدیر اداری: سید علی حسینی
مدیر چاپ: سید علی حسینی

نشانی: خرمشده، پلاک ۲۱ شماره ۲۱ کد پستی ۱۵۵۸۸
تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۴۸۰۶
مخاطب: همکیشان زرتشتیان
ایران: درود پخش مطالب آزاد است.
پست الکترونیکی: amordad@hotmail.com

مشاور املاک شما همکیشان در کرج

رستم پرویزی

تلفن: ۰۲۶۱-۲۵۰۶۰۱۸

نشانی: کرج، عطیمیه، خیابان شمس پلاک ۱۷۰

پلاستیک سازی دهنادی

تولید کننده

انواع لوله‌های مویی و پروفیل پلاستیکی
از ۲۵ تا ۱۷۵ میلیمتر

نشانی: کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص خود کار
خیابان دارو بخش. خیابان مهندس خود کار
تلفن: ۰۲۶۲-۳۸۱۳۴۴۲

آجیل و خشکبار سرو

قد سبز، شیرینیجات بزدی سوغات شهرستانها

تهیه مرغوبترین آجیل (لرک) جهت هر گونه مراسم در خدمت همکیشان گرامی می‌باشد

کوی نصر (گیشا) نبش خیابان پانزدهم پلاک ۱۸۰
تلفن: ۸۲۷۴۴۶۵

خدمات برق سیم کشی ساختمان

نصب اف اف، تایمر راه پله، هواکش

تعویض سیم کشی منازل

تلفن: ۰۹۱۳۳۲۳۳۳۳۳۳۴۴